

اهدای جنین در حقوق ایران؛ پیدا یا پنهان؟

احمد محمدی باردئی^۱

چکیده

نهادهای حقوقی که گاه و بیگاه از کشورهای خارجی وارد ادبیات حقوقی ما می‌شود، باید بومی‌سازی شوند، به گونه‌ای که با اصول و مبانی حقوق داخلی هماهنگ گردند. اهدای جنین، نهاد حقوقی نوپیدایی است که در زادگاه خود، تابع اصلی قرار گرفته است که از آن با عناوین بی‌نام بودن، محرمانگی یا رازداری یاد می‌شود.

در حقوق ایران، به دلیل اجمال قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و عدم انطباق مفاد آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون با قوانین حاکم و نیز اصول حقوقی، نسبت به جریان اصل محرمانگی تردیدهایی وجود دارد. این نوشتار در پی آن است تا با بررسی مقررات حاکم، فقدان یا وجود این ویژگی را در حقوق داخلی تبیین نموده و برای خلاءهای موجود ارائه‌ی راهکار نماید؛ از این جمله است ضرورت اصلاح قانون حاکم بر ثبت اسناد سجلی و تصریح به رد محرمانگی در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور.

واژگان کلیدی:

اهدای جنین، اهداکننده، اهداگیرنده، محرمانگی، نسب

۱. دکتری حقوق خصوصی، مستشار قضایی معاونت حقوقی قوه قضاییه.

۱. درآمد

دست‌یابی به تکنیک باروری‌های آزمایشگاهی در حوزه‌ی علم پزشکی، این امکان را فراهم آورده است که جنین آزمایشگاهی متعلق به اشخاص ثالث، برای باروری اشخاص نابارور مورد استفاده قرار گیرد.

میزان بهره‌گیری از این شیوه‌ی باروری و نیز آثار و احکام آن در کشورهای مختلف، تابع مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. جمهوری اسلامی ایران تنها کشور اسلامی است که بستر قانونی انتقال رویان برای باروری با دخالت ثالث را فراهم نموده است؛ اما تفاوت‌های بنیادین مبانی حقوق ایران با حقوق کشورهای غربی که زادگاه این نهاد حقوقی هستند، موجب شده است تا ماهیت، آثار و احکام این نهاد در ایران متفاوت از دیگر نظام‌های حقوقی جهان باشد. یکی از این نقاط تفاوت، رعایت اصل محرمانگی است که موضوع این نوشتار را رقم زده است.

عدم اطلاع کودک حاصل از باروری به شیوه‌ی اهدای جنین از هویت پدر و مادر ژنتیکی خود و ناشناس بودن متقابل هویت اهداکننده و اهداگیرنده نسبت به همدیگر، با عنوان بی‌نام بودن یا محرمانگی اهدا و رازداری توصیف می‌شود.

در حال حاضر قوانین اکثر کشورهای جهان از جمله دانمارک، فرانسه، اسپانیا و آمریکا بر استفاده از روش اهدای ناشناخته مبتنی است؛ در انگلستان نیز تا هنگامی که امکان استفاده از اهدای ناشناخته وجود داشته باشد، نمی‌توان به شیوه‌ی دیگری متوسل شد. (یاوری و متوسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۴).

محرمانه بودن فرایند پزشکی و نیز اصل اهدای جنین به دلالت ماده‌ی ۵-۲۱۴۱ قانون سلامت عمومی فرانسه، قاعده‌ای است که اهداگیرنده و نیز اهداکننده‌ی جنین باید آن را رعایت نمایند. پزشک نیز فقط در موارد ضروری درمانی می‌تواند اطلاعات پزشکی مرتبط با هویت اهداءکنندگان را ارائه نماید. در این نظام حقوقی، برای تخلف از این تکلیف، ضمانت اجرای کیفری نیز پیش‌بینی شده است.^۱

۱. متخلف از این مقرر به موجب ماده‌ی ۱۰-۵۱۱ قانون مجازات این کشور به دو سال حبس و سی هزار یورو جزای نقدی محکوم می‌شود.

نظام حقوقی ایران در سال ۱۳۸۲ با تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، امکان اهدای جنین را برای چنین زوجینی به رسمیت شناخت. به موجب برخی مواد آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون، اهدای جنین باید در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری و با احراز هویت و به نحو کاملاً محرمانه انجام گیرد. وجود چنین مقرراتی طرح پرسش‌های بسیاری را موجب می‌شود. از جمله این که آیا باید مشخصات فرد اهداکننده در اختیار اهداگیرنده و یا کودک قرار داده شود؟ در فرض مثبت بودن پاسخ، حدود این اطلاع کدام است؟

پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی وضعیت ثبت اسناد سجلی کودکان حاصل از اهدای جنین می‌باشد. به دیگر سخن، در حقوق ایران، این پرسش نیز مطرح می‌شود که آیا صرف اطلاع اهداگیرنده و اهداکننده از هویت همدیگر، و یا ارائه‌ی این اطلاعات به کودک کفایت می‌کند یا آن که باید همانند سایر اطلاعات هویتی، این اطلاعات نیز در دفاتر سجلی این اشخاص یعنی کودک، اهداگیرنده و اهداکننده به ثبت برسد؟

این نوشتار در ابتدا با تحلیل مبانی نظری پیدا یا پنهان بودن اهدای جنین و سپس بررسی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، به تبیین موضوع در حقوق ایران می‌پردازد. در ادامه نیز چالش‌های حقوقی ثبت ولادت کودکان حاصل از اهدای جنین بررسی خواهد شد.

۲. مبانی نظری پنهان یا پیدا بودن اهدای جنین

قائلین به ضرورت پنهان بودن اهدای جنین و نیز مخالفان آن، برای دیدگاه خود به برخی مبانی نظری متوسل می‌شوند. پیش از بیان ادله‌ی استنادی ایشان، ذکر این موضوع ضرورت دارد که نویسندگان حقوق ایران در این خصوص دیدگاه مستقلی نداشته و بیشتر به ذکر ادله‌ی قائلین به این دیدگاه‌ها که در تألیفات حقوق غربی آمده است، بسنده می‌نمایند. به شرح آتی ادله‌ی ابرازی ایشان بیان می‌شود.

الف) در اهدای ناشناخته، مرز میان خانواده‌ی اهداکننده و اهداگیرنده

مشخص است؛ این امر موجب پیشگیری از دخالت‌های احتمالی اهداکننده در فضای خانوادگی و تربیتی کودک می‌شود (همان، ص ۳۹۶)؛
 ب) کاهش ارتباط اهداکننده و اهداگیرنده، موجب ارتقاء جایگاه والدینی اهداگیرندگان می‌شود (همان‌جا)؛

ج) ناشناخته بودن، موجب سلب مسئولیت اهداکننده‌ی جنین در برابر کودک است، در حالی‌که، شناخته شده بودن اهداکننده می‌تواند موجبات تحقق مسئولیت‌های اجتماعی یا قانونی را برای او فراهم آورد (همان‌جا)؛
 د) به حداقل رساندن ارتباط میان اهداکننده و کودک موجب می‌شود نظام تربیتی واحدی برای کودک به کار گرفته شده و از سرگردانی در رشد هویتی او جلوگیری شود (همان‌جا).

در مقابل، موافقان افشای راز اهدا به کودک به ادله‌ای چون ضرورت ایجاد روابط صادقانه و شفاف میان اعضای خانواده، عدم امکان مخفی نگه‌داشتن یک راز در محیط خانواده برای همیشه و حق طبیعی هر انسان به داشتن آگاهی از منشأ وجودی خود متوسل می‌شوند (همان‌جا).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، دلایل موافقان و مخالفان آشکار شدن راز اهدا برای کودک و سایرین، بر این فرض استوار است که کودک، فرزند قانونی اهداگیرنده است؛ ایشان برای اهداکننده هیچ‌گونه حقی در این خصوص قائل نیستند. به عنوان مثال، قانون‌گذار فرانسه کودک حاصل از اهدای گامت و جنین را، به اهداگیرنده ملحق کرده و هیچ دعوایی در ارتباط با نفی یا اثبات نسب چنین کودکانی را، حسب مورد از سوی اهداگیرنده و یا اهداکننده قابل استماع ندانسته است.

ماده‌ی ۱۹-۳۱۱ قانون مدنی فرانسه مصوب بیست و نهم ژوئیه ۱۹۹۴ در این خصوص مقرر نموده است: «در حالت باروری کمکی پزشکی با مداخله‌ی ثالث، هیچ دعوایی راجع به اثبات نسب اهداکننده و کودک حاصل از این شیوه‌های باروری قابل پذیرش نیست؛ [هم‌چنین] هیچ نوع دعوایی در ارتباط با مسئولیت اهداکننده [در قبال این کودک] قابل طرح نمی‌باشد.»^۱

1. “ En cas de procréation médicalement assistée avec tiers donneur, aucun lien de filiation ne peut être établi entre

ماده ۲۰-۳۱۱ این قانون نیز طرح هرگونه دعوای نفی نسب از طرف اهداگیرنده در ارتباط با کودک حاصل از باروری‌های پزشکی را قابل استماع ندانسته و تصریح نموده است که رضایت به انجام باروری کمکی پزشکی، مانع از طرح هر دعوایی است که با اثبات یا نفی نسب کودک مرتبط باشد، مگر آن که ثابت شود کودک، حاصل باروری کمکی پزشکی نبوده یا رضایت اعلام شده به انجام این باروری به دلایلی قانونی مانند وقوع طلاق، آثار خود را از دست داده است.

در نظام حقوقی فرانسه تا پیش از تصویب قانون سال ۱۹۹۴، اقامه‌ی دعوای نفی ولد توسط اهداگیرنده و یا اثبات نسبت توسط اهداکننده‌ی جنین امکان‌پذیر بود؛ اما این قانون به طرح چنین دعوایی پایان داد (Medicale a) p.889 (La Procreation).

به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران، این ادله چندان قابل استناد نباشد؛ زیرا برخلاف عرف متداول در سایر نقاط دنیا، در ایران آن چه به نام اهدای جنین صورت می‌گیرد، صرفاً ایجاد حق سرپرستی کودک حاصل از این نهاد برای اهداگیرنده است و دیگر حقوق قانونی از قبیل نسب، توارث و آثار مترتب بر نسب را باید در روابط میان اهداکننده با کودک جست‌وجو نمود. (رک: محمدی باردئی، ۱۳۹۰، صص ۱۹۹-۲۲۰) مروری بر فرآیند تأیید قانون نحوه اهدای جنین در شورای نگهبان، حکایت از آن دارد که این شورا به هیچ عنوان الحاق کودکان به اهداکننده را نپذیرفته است. (همان، صص ۸۱-۷۵)

۳. بررسی مقررات حاکم بر چگونگی اهدای جنین

قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور درباره‌ی پیدا یا پنهان بودن اهدای جنین مقرره‌ی صریحی ندارد. با این وجود، التزام به رعایت ضوابط شرعی موضوع ماده‌ی ۱ این قانون، با پذیرش این پیش‌فرض که هر اقدام منتهی به اختلاط انساب، امری غیر شرعی است، می‌تواند مؤیدی بر ضرورت

*l'auteur du don et l'enfant issu de la procréation.
Aucune action en responsabilité ne peut être exercée à
l'encontre du donneur” .*

آشکار بودن اهدای جنین باشد.

در مواد ۳، ۶ و ۱۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ مقرراتی آمده است که ظاهراً جریان اصل بی‌نام بودن یا محرمانگی را در حقوق ایران تداعی می‌کند.

مطابق ماده‌ی ۳ این آیین‌نامه، اهدای جنین در مراکز تخصصی با احراز هویت اهداکنندگان و به صورت کاملاً محرمانه انجام می‌گیرد.

بند «ت» ماده‌ی ۶ نیز دریافت، نگهداری و انتقال جنین‌های اهدایی را در شرایط کاملاً محرمانه مجاز دانسته و تبصره‌ی ذیل آن مقرر نموده است: «اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی، جزو اطلاعات به کلی سری طبقه‌بندی می‌شوند.»

به موجب ماده‌ی ۱۰ این آیین‌نامه: «ارایه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضایی صلاحیت‌دار مجاز می‌باشد.» با توجه به این مقررات، بار دیگر به همان پرسش اصلی برمی‌گردیم که آیا در حقوق ایران، اصل محرمانگی بر نهاد اهدای جنین حاکم است؟

پیش از ارائه‌ی پاسخ، یادآوری برخی موضوعات ضروری است. الف) اصل محرمانگی در اهدای جنین را نباید با ممنوعیت افشای اسرار حرفه‌ای توسط پزشک یا مرکز درمانی خلط کرد، به موجب قاعده‌ی ممنوعیت افشای این اسرار، پزشک نمی‌تواند اسرار بیمار خود را افشا نماید؛ در غیر این صورت مجرم تلقی و قابل تعقیب کیفری است.^۱

ب) اصولاً، آیین‌نامه باید در محدوده‌ی قانونی که مبنای تدوین آن می‌باشد، تهیه و تصویب شود؛ صرفاً باید شیوه و راهکار اجرای قانون را بیان نماید. لذا در قالب آیین‌نامه نمی‌توان حقوق قانونی اشخاص را سلب یا محدود نمود. در غیر این صورت، چنین آیین‌نامه‌ای قابل ابطال است.^۲

۱. ماده‌ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

۲. اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸: «به منظور

با توجه به این مقدمه، مقررات آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، ابتدا از منظر تطابق با قانون و سپس از حیث دلالت بر موضوع بررسی می‌شود.

۳-۱. بررسی انطباق مقررات آیین‌نامه با قوانین

در نظام حقوقی ایران، تنها قانون لازم‌الاجرائی که اسناد محرمانه و سری دولتی را مورد توجه قرار داده و برای عاملین انتشار و افشای آن‌ها مجازات تعیین نموده است، «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹» می‌باشد.

این قانون و آیین‌نامه‌ی «طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱» افزون بر ارائه‌ی تعریف از اسناد دولتی سری و اسناد دولتی محرمانه، کیفیت نگاهداری این اسناد را مشخص نموده‌اند.

قانون مذکور، اسناد دولتی را به دو دسته‌ی سری و محرمانه تقسیم نموده است. مطابق ماده‌ی ۱ این قانون، اسناد دولتی سری، اسنادی است که افشای آن‌ها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت باشد و اسناد دولتی محرمانه، اسنادی است که افشای آن‌ها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده باشد (شهری و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۴۵۹).

برابر ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه‌ی مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴ «اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار مقدار مراقبتی که باید در حفظ آن‌ها بشود به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.» همچنین ماده‌ی ۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ که مقرر می‌کند: «در اجرای اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و ادارات و آیین‌نامه‌های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات نظام تصویب‌کننده، دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود» و نیز ر.ک: ماده‌ی ۱۳ این قانون.

طبقه اول - اسنادی است که افشای غیرمجاز آن‌ها به اساس حکومت و مبنای دولت ضرر جبران‌ناپذیری برساند.

طبقه دوم - اسنادی است که افشای غیرمجاز آن‌ها منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره کند.

طبقه سوم - اسنادی است که افشای غیرمجاز آن‌ها نظام امور سازمان‌ها را مختل و اجرای وظایف اساسی آن‌ها را ناممکن کند.

طبقه چهارم - اسنادی است که افشای غیرمجاز آن‌ها موجب اختلال امور داخلی یک سازمان بشود یا با مصالح اداری آن سازمان مغایر باشد، اسناد سرتی در طبقه اول و دوم و اسناد محرمانه در طبقات سوم و چهارم قرار می‌گیرند. اسناد طبقه اول با عنوان به کلی سرتی و اسناد طبقه دوم با عنوان سرتی و اسناد طبقه سوم با عنوان خیلی محرمانه و اسناد طبقه چهارم با عنوان محرمانه مشخص می‌شود.» (شهری و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۰۸).

با این مقدمات، پرسش این است که تبصره‌ی بند «ت» ماده‌ی ۶ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، بر اساس چه معیار و ضابطه‌ای و با کدام اجازه‌ی قانونی، اطلاعات راجع به اهدای جنین را در زمره‌ی اسنادی قرار داده است که افشای آن‌ها به اساس حکومت و مبنای دولت ضرر جبران‌ناپذیری می‌رساند؟

به نظر می‌رسد، این تبصره به دلیل مخالفت با قوانین، قابل ابطال است. اگر این مقدمات را در کنار ماده‌ی ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرتی دولتی قرار دهیم که برای افشای اسناد سرتی حبس از دو تا ده سال و برای افشای اسناد محرمانه حبس از شش ماه تا سه سال را تعیین نموده است (شهری و دیگران، ۱۳۸۶، پیشین، ص ۲۴۶۰)، لزوم ابطال تبصره‌ی یاد شده، ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا، اگر فردی متهم به افشای اطلاعات مربوط به اهدای جنین باشد، برابر تبصره‌ی یاد شده و ماده‌ی ۲ قانون مصوب سال ۱۳۵۳، مجازات او باید از دو تا ده سال حبس تعیین شود؛ در واقع، تبصره‌ی مذکور، عاملین انتشار اطلاعات راجع به اهدای جنین را در زمره‌ی اشخاصی قرار داده است که افشاکننده‌ی اطلاعاتی می‌باشند که به اساس حکومت، ضرر

جبران ناپذیری وارد نموده‌اند. امری که افزون بر عدم انطباق با عالم واقع، با اصل قانونی بودن جرم و مجازات نیز ناسازگار است.

ممکن است گفته شود تبصره‌ی یاد شده صرفاً ناظر بر چگونگی نگه‌داری این اسناد است و در مقام تسری ضمانت اجرای کیفری، انتشار اسناد محرمانه به اسناد مرتبط با اهدای جنین نمی‌باشد، این توجیه با روح حاکم بر آیین‌نامه همخوانی ندارد، به گونه‌ای که حتی در ماده‌ی ۱۰ مقرر شده است: «ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مرجع قضایی صلاحیت‌دار مجاز می‌باشد».

این ماده نیز از چند جهت واجد اشکال است؛ نخست آن که، اطلاعات مربوط به اهدای جنین، از شمول تعاریف مندرج در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی خارج است؛ هیأت دولت نیز شأن قانون‌گذاری نداشته تا با تصویب ماده‌ی مذکور، حکم اسناد محرمانه و سرّی دولتی را به این اسناد تسری دهد.

به عبارت دیگر، افشای اطلاعات مربوط به اهدای جنین به فرض این که مغایرتی با مصالح و منافع داشته باشد، آن مصالح و منافع، کاملاً فردی و مرتبط با اهداکننده، اهداگیرنده و کودک است. در حالی که، به موجب ماده‌ی ۱ قانون مصوب ۱۳۵۳، آنچه مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است، مصالح دولت، مملکت و یا مصالح خاص سازمان‌های اداری است.

ایراد دیگر آن که، ارائه‌ی مدارک و اطلاعات به مراجع قضایی را محدود به قید داشتن صلاحیت نموده است، مشخص نیست چه کسی باید تشخیص دهد که مرجع قضایی برای دریافت اطلاعات موضوع این ماده صالح است؟ آیا مرجعی که این اطلاعات را نگهداری می‌کند، یعنی مرکز درمانی، صلاحیت ارزیابی صالح بودن مرجع قضایی را دارد؟ آیا این مرکز، به فرض مطالبه‌ی اطلاعات توسط مرجع قضایی، می‌تواند از ارائه‌ی آن‌ها استنکاف نماید؟

بی‌گمان پاسخ این پرسش‌ها، منفی است. تشریفات ابراز اسناد سرّی دولتی در دادگاه، در ماده‌ی ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و

انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آمده است. به موجب این ماده: «هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند، موجود باشد و دادگاه آن را مؤثر در موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی از اصحاب دعوا به‌طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط، ارسال و رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوطه مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد، مگر این که ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود. چنانچه دادگاه موافقت نمود، جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد، در غیر این صورت باید به نحو مقتضی سند به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع، کسی که مسؤولیت عدم ارائه سند متوجه اوست، پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در مورد تحویل اسناد سری دولتی، باید با اجازه رییس قوه قضائیه باشد.»

در این ماده صلاحیت یا عدم صلاحیت مرجع قضایی، موضوع بحث نیست؛ اصولاً ادارات و نهادهای دولتی در مقامی نیستند که صلاحیت یا عدم صلاحیت مرجع قضایی را مورد ارزیابی قرار دهند. از سوی دیگر، اطلاعات مربوط به اهدای جنین نیز از شمول تعریف اسناد سری دولتی خارج است؛ تشخیص این موضوع امری قضایی است.

بنابراین، از آنجایی که قانون این اطلاعات را در حکم اسناد سری قرار نداده و از حیث مفاد نیز این اطلاعات در زمره اسناد سری دولتی قرار نمی‌گیرند، لذا مصوبه‌ی دولت برای مراجع قضایی لازم‌الاتباع نیست، ضمن آنکه قابلیت ابطال در دیوان عدالت اداری نیز به قوت خود باقی است؛ زیرا، این مصوبه حقوق اشخاص را در دسترسی به اطلاعات محدود نموده است.

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۸/۵/۳۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن تقسیم

اطلاعات به دو دسته‌ی شخصی و عمومی در ماده‌ی ۱، در تعریف اطلاعات شخصی در بند «ب» این ماده مقرر می‌دارد: «اطلاعات شخصی، اطلاعات فردی نظیر نام و نام خانوادگی، نشانی‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور است.»

نقطه‌ی مقابل اطلاعات شخصی در این قانون، اطلاعات عمومی است که امکان دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم میسر و در برخی موارد، اطلاع‌رسانی از تکالیف دستگاه‌های اجرایی است.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۶ این قانون، درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی را از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آن‌ها مربوط می‌شود یا نماینده‌ی قانونی آن‌ها مجاز دانسته و در ماده‌ی ۷ نیز مقرر نموده است: «مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات، هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.»

در فصل چهارم در دو بند اسرار دولتی و حمایت از حریم خصوصی را به عنوان استثنائات دسترسی به اطلاعات قید نموده و اسرار دولتی را تابع قوانین و مقررات خاص قرار داده است.

در مورد حمایت از حریم خصوصی نیز در ماده‌ی ۱۴ این قانون آمده است: «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، موضوع بحث، یعنی اطلاع از وضعیت جنین هدایی توسط اهداکننده، اهداگیرنده یا کودک، جزء هیچ یک از این استثنائات نمی‌باشد؛ لذا، آیین‌نامه‌ی مذکور با این مقررات نیز ناسازگار است.

ایراد سوم که علاوه بر ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی مذکور، بر ماده‌ی ۶ آن نیز وارد می‌باشد، آن است که این مواد، اطلاعات مربوط به اهدای جنین را در زمره‌ی اسناد دولتی قرار داده‌اند، بدون آن‌که در قانون یا آیین‌نامه، تعیین شده باشد که فقط مراکز درمانی دولتی، مجاز به انجام فرآیند اهدای جنین

می‌باشند. به عبارت دیگر، مراکز درمانی که از حیث پزشکی، صلاحیت و توان انجام انتقال جنین را دارا می‌باشند و اکنون نیز در سطح کشور نسبت به آن اقدام می‌نمایند، الزاماً دولتی نیستند تا مشمول قانون مجازات انتشار و افشای اسناد سَری و محرمانه‌ی دولتی مصوب ۱۳۵۳ قرار گیرند.

نتیجه آن که، اگر قرار باشد مصوبه‌ی دولت در خصوص اطلاعات راجع به اهدای جنین اجرا شود، این مقررات فقط نسبت به آن دسته از مراکز درمانی قابلیت اعمال خواهد داشت که دولتی و یا وابسته به دولت باشند. این در حالی است که بخش خصوصی نیز در این زمینه فعالیت می‌نماید و از این جهت نیز مقررات آیین‌نامه مخدوش است.

۲-۳. بررسی دلالت مقررات بر اهدای بی‌نام

با فرض چشم‌پوشی از تمام ایرادهایی که در مورد آیین‌نامه‌ی مذکور بیان شد، پرسش این است که آیا می‌توان به استناد قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، به این امر قائل شد که در حقوق ایران اهدای جنین باید «بی‌نام» باشد؟

برخی اساتید حقوق با تأکید بر اینکه قصد قانون‌گذار، «جلوگیری از عوارض روانی ناشی از انساب برای فرزندان مولود لقاح آزمایشگاهی است» (الهام، ۱۳۸۳، ص ۲۴)، معتقدند: «قانون‌گذار تعمداً خواسته است، رابطه بین زوجین اهداکننده و زوجین دریافت‌کننده جنین پنهان بماند» (همان‌جا). به نظر می‌رسد، این عقیده با موازین قانونی و مقررات موجود در خصوص اهدای جنین ناسازگار است. اثبات این مدعا، مستلزم توجه به مقدمات زیر است:

الف) قانون یاد شده، در مورد اصل بی‌نام بودن اهدا، مقرره‌ای ندارد؛ سکوت در مقام بیان به منزله‌ی عدم پذیرش این نظریه است؛

ب) قانون، رابطه‌ی میان کودک حاصل از جنین اهدایی با اهداکننده را قطع نموده است؛ لازمه‌ی پایبندی به این رابطه آن است که اهداکننده از سرنوشت جنین اهدایی و نیز متقابلاً کودک از هویت اهداکنندگان مطلع باشد؛ ج) چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، پرهیز از اقدام منتهی به اختلاط

انساب در قید «ضوابط شرعی» موضوع ماده‌ی ۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور نهفته است.

د) آیین‌نامه‌ی مذکور مقرراتی را پیش‌بینی نموده است که اهداکننده بتواند هرچند از طریق مرجع قضایی از سرنوشت کودک حاصل از جنین و نیز راجع به جنین اهدا شده اطلاعاتی را کسب نماید؛

ه) اصل بی‌نامی اهدا بر روابط میان اهداکننده و اهداگیرنده‌ی جنین نیز جاری است، در حالی که مقررات مندرج در آیین‌نامه بر فعالیت کارکنان مراکز درمانی متصدی اهدا حاکم است؛ به عنوان مثال، اگر اهداکننده و اهداگیرنده ابتدا به دادگاه مراجعه و نسبت به جواز انجام انتقال جنین اقدام نمایند و آن‌گاه جهت انجام فرآیند پزشکی به مرکز درمانی مراجعه کنند، اصولاً این مرکز نمی‌تواند از انجام امور پزشکی استنکاف کند. همچنین هرگاه اهداگیرنده پس از انجام عمل پزشکی به دادگاه مراجعه و درخواست کسب اطلاع از هویت اهداکننده نماید، دادگاه موجبی قانونی برای عدم پذیرش این درخواست ندارد.

و) مواد ۶ و ۱۰ آیین‌نامه‌ی قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور، مغایر با قوانین و در محاکم قضایی غیرقابل استناد است، تنها ماده‌ای که قابلیت استناد می‌یابد، ماده‌ی ۳ این آیین‌نامه است. به موجب این ماده، «اهدای جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده و در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، با احراز هویت آنان و به صورت کاملاً محرمانه انجام گیرد.» عبارت ذیل این ماده باید به گونه‌ای تفسیر شود که با روح قانون و موازین شرعی تطابق داشته باشد. بنابراین عبارت یادشده تأکیدی بر ممنوعیت افشای اسرار پزشکی می‌باشد و صرفاً در حدود ضرورت حفظ اسرار پزشکی قابل توجیه است.

عبارت یادشده را نمی‌توان بر اصل بی‌نامی اهدای جنین حمل نمود؛ زیرا، لازمه‌ی چنین استنباطی مستلزم قابل ابطال بودن این ماده است. به عبارت دیگر این تفسیر موجب می‌شود تا ماده‌ی مذکور مغایر با مقاصد شریعت قلمداد شود.

در متون دینی، اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی با عنوان «مقاصد شریعت» (علی دوست، ۱۳۸۸، ص ۶۹) یا «مصالحه مرسله»، (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۴۴۸) مورد توجه قرار گرفته است.

امام محمد غزالی در خصوص مصالح و مقاصد شریعت آورده است: همانا مصلحت به اعتبار اهمیت ذاتی خود تقسیم می‌شود به چیزهایی که در رتبه‌ی ضرورت‌ها قرار دارند و یا چیزهایی که در رتبه‌ی نیازها قرار می‌گیرند و یا اموری که در رتبه‌ی خوبی‌ها و تزیین‌ها قرار می‌گیرند و هر کدام از این اقسام تکمله و متممی دارند. (غزالی، ۱۴۱۷، ص ۴۱۶)

مراد از «ضروریات»، اموری است که زندگی مردم بدون آن‌ها مختل می‌شود و حاجات اموری است که جهت توسعه و رفع ضیق و تنگناها تشریح آن‌ها ضروری است؛ تحسینات و تزیینات اموری هستند که هرچند ترک آن‌ها موجب تنگناها نمی‌شود، اما مراعات آن‌ها لازمه‌ی رسیدن به اخلاق و عادات پسندیده است. (علی دوست، پیشین، ص ۷۱)

غزالی ضروریات را منحصر به احکامی دانسته است که حکمت آن‌ها حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال انسان باشد (غزالی، پیشین، ص ۴۱۷). این تقسیم‌بندی، مورد توجه فقهای بزرگی مانند شهید اول، فاضل مقداد و نیز میرزای قمی قرار گرفته است. (علی دوست، همان)

شهید اول پس از این که غرض از تشریح را حفظ مقاصد پنج‌گانه‌ی مذکور می‌داند، برای هر یک نمونه‌هایی را ذکر می‌کند: «حفظ نفس با تشریح قصاص، دیه یا دفاع است؛ حفظ دین با جهاد و قتل مرتد است؛ حفظ عقل با تحریم مسکرات و قرار دادن حدّ برای مشرب آن‌ها است؛ حفظ نسب با تحریم زنا، مقاربت با مردها، مقاربت با چارپایان، تحریم قذف، نسبت زنا به دیگران و حدّ بر آن است؛ حفظ مال با تحریم غصب، سرقت، خیانت، راهزنی و حدّ و تعزیر بر آن‌ها می‌باشد.» (مکی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸) چنان که ملاحظه می‌شود، از نظر شهید اول حکمت حرمت زنا، حرمت همجنس‌بازی، حرمت مقاربت با چارپایان و حتی حرمت قذف، حفظ نسب است.

این استنباط، منحصر به شهید اول نیست؛ فقهای دیگر نیز با بیان

این نکته که حفظ نسب در شریعت اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، حکمت احکام دیگری مانند ضرورت نگه‌داری عدّه را، پیش‌گیری از اختلاط نسل‌ها قرار داده‌اند. (سبحانی، ۱۴۱۰، ص ۸۷؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۲۷؛ توحیدی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۲؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۳۰؛ نجفی خوانساری، ۱۴۱۸، ج ۲، صص ۲۴، ۱۲۷ و ۴۱۹). بنابراین، پرهیز از هرگونه اقدامی که اختلاط نسل انسان‌ها را در پی داشته باشد، امری ضروری است و حفظ و صیانت از نسب اشخاص، یکی از حکمت‌هایی است که در فقه امامیه احکام متعددی بر آن متفرع شده است.

۴. تسجیل نسب کودکان حاصل از اهدای گامت و جنین

در گذشته، به دلیل کوچک بودن جوامع و شناخت کافی مردم نسبت به همدیگر، اثبات نسب امر دشواری نبود. فقها طرق اثبات نسب را به شهادت شهود و شهرت مفید علم تقسیم نموده‌اند. صاحب عروه در این خصوص که شخصی ادعای سیادت نماید، می‌نویسد: «هر کس ادعای نسب نماید، تصدیق نمی‌شود؛ جز آن‌که بینه اقامه نماید. یا این امر به نحوی که مفید علم شود، مشهور باشد. البته شهرت در شهر و دیار او کفایت می‌نماید» (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷) یکی از فقهای معاصر، در توضیح این عبارت آورده است: این ادعا، مانند هر ادعای دیگری نیازمند ادله‌ی اثباتی شرعی است، که ممکن است بینه یا شیعاف مفید علم باشد، یا اطمینان از صدق ادعا، هرچند این اطمینان، حاصل شهرت این موضوع در دیار مدعی باشد (توحیدی، پیشین، ص ۳۲۱).

در جوامع امروزی با توجه به گسترش جمعیت و ضرورت اطلاع حاکمیت از نسب اشخاص و نیز در مواردی خاص، اطلاع مردم از نسب یکدیگر، مقرراتی برای ثبت دقیق نسب اشخاص وضع شده است.

در حقوق ایران، کتاب سوم از جلد دوم قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴، به مسائل مربوط به اسناد سجلی اختصاص یافته است؛ مطابق بند اول ماده‌ی ۹۹۳ این قانون، ثبت ولادت هر طفل الزامی است. به موجب ماده‌ی ۹۹۹

قانون مدنی، سند ولادت اشخاصی که ولادت آن‌ها در مدت قانونی به دایره‌ی سجل احوال اظهار شده است، سند رسمی محسوب خواهد شد و برابر ماده‌ی ۹۹۵ این قانون، تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است، جز به موجب حکم محکمه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در سال ۱۳۵۵ در این خصوص، مقررات جامع‌تری با عنوان «قانون ثبت احوال» تصویب و مطابق ماده‌ی ۱ این قانون، سازمان ثبت احوال کشور متصدی ثبت ولادت و صدور شناسنامه شد.

مقررات پیش‌بینی شده در این قانون و مواد یاد شده از قانون مدنی، دلالتی تام بر این دارند که قانون‌گذار برای حفظ نسب، اهمیت بسیاری قائل بوده و به ثبت و ضبط دقیق احوال شخصیه به‌ویژه نسب اشخاص، توجه خاص داشته است.

از منظر شریعت، حفظ و صیانت از انساب و پرهیز از اختلاط آن از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ این مهم به عنوان حکمت بسیاری از احکام راجع به عدّه، ازدواج، حرمت زنا و ممنوعیت فرزندخواندگی قرار گرفته است؛ حال پرسش این است که این مهم در مورد کودکان حاصل از اهدای جنین یا گامت، چگونه باید تأمین شود؟

در رویه‌ی جاری، اطلاعات مربوط به اهدای گامت و جنین در بانک‌های اطلاعاتی مؤسسه درمانی نگهداری شده، پس از تولد کودک، شناسنامه‌ی او به نام اهداگیرنده صادر می‌شود؛ سازمان ثبت احوال کشور نیز هیچ‌گونه اطلاعاتی را در خصوص جنین یا گامت اهدایی ثبت نمی‌کند.

به عبارت دیگر، اسناد سجلی کودکان حاصل از اهدای گامت و جنین، نمی‌تواند مثبت نسب آن‌ها باشد، علت این نارسایی را باید در این نکته دانست که برابر مقررات مواد ۱۲ و ۱۵ قانون ثبت احوال، «ولادت»، محور ثبت قرار گرفته است.

مطابق ماده‌ی ۱۵ این قانون، ثبت ولادت باید به تصدیق پزشک یا مامای رسمی یا مؤسسه‌ای که طفل در آنجا متولد شده است مستند باشد، در غیر این صورت، واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود.

رویه‌ی معمول بر این است که بیمارستان یا مؤسسه‌ی درمانی، یک گواهی را صادر می‌نماید که در آن زنی که فرزند را به دنیا آورده است، به عنوان مادر، و شوهر وی، به عنوان پدر معرفی می‌شوند؛ بر اساس همین گواهی ولادت، اسناد سجلی تنظیم می‌گردد.

پرسش این است که آیا درج نکردن هویت پدر و مادر ژنتیکی کودکان حاصل از اهدای گامت یا جنین، با فلسفه‌ی ثبت احوال و ضرورت پیشگیری از اختلاط انساب، سازگاری دارد؟ به عبارت دیگر، صرف اکتفا به درج مشخصات اهداکننده و اهداگیرنده در مؤسسات درمان ناباروری و عدم ارتباط میان بانک‌های اطلاعاتی این مؤسسات با بانک اطلاعاتی سازمان ثبت احوال کشوری، چه آثار و پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟ برای درک بهتر این آثار، ناگزیر به بیان مثال می‌باشیم:

فرض کنیم «الف»، یک کودک حاصل از اهدای جنین متعلق به «ب» و «ج» می‌باشد، که در دوره‌ی رویانی در اختیار «د» و «ه» قرار گرفته است. عملیات پزشکی به استناد ماده‌ی ۲ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون اهدای جنین به زوجین نابارور به صورت محرمانه صورت گرفته، اطلاعات آن نیز در مرکز درمانی به ثبت رسیده، در زمره‌ی اسناد سرّی طبقه‌بندی شده است.

بستگان و اطرافیان خانواده «د» و «ه» یعنی اهداگیرنده از موضوع اهدای جنین کاملاً بی‌اطلاع هستند و هویت اهداکننده نیز برای اهداگیرندگان کاملاً مجهول است.

اکنون تصور کنید که «د» و «ه» در یک حادثه فوت می‌کنند، آیا ماترک آن‌ها را شخصی غیر از «الف» تصاحب خواهد نمود؟ آیا جز این است که اگر دادگاه، وراثت فوت‌شدگان را، از اداره‌ی ثبت احوال استعلام نماید، این مرجع «الف» را به عنوان فرزند آن‌ها معرفی خواهد نمود؟ اگر «الف» قصد ازدواج داشته باشد و به طور تصادفی، خواهر ژنتیکی خود را برای همسری انتخاب نماید، این موضوع در کدام مرجع قابل تشخیص و پیشگیری است؟ با قرار دادن پاسخ این پرسش‌ها در کنار روایات زیر، نتیجه‌ی بحث کاملاً آشکار خواهد بود.

الف) از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که در پاسخ به این پرسش که، چرا خداوند زنا را حرام کرده، می‌فرمایند: «به خاطر فسادى که در آن وجود دارد و از بین رفتن موارىث و قطع شدن نسب‌ها، این که زن نمی‌داند چه کسی او را حامله کرده و فرزند، پدرش را نمی‌شناسد و خویشاوندی پیوسته و متصل به هم می‌خورد و قرابت‌ها شناخته نمی‌شود.» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۵۲، باب ۱۷، ح ۱۲)

ب) امام رضا علیه‌السلام نیز در پاسخ به پرسش‌های محمد بن سنان در مورد زنا می‌فرمایند: «خداوند زنا را به خاطر فسادى که در آن وجود دارد حرام نموده، فسادهایی مانند کشتن انسان‌ها از بین رفتن نسب‌ها، ترک شدن تربیت کودکان، فاسد شدن میراث‌ها و فسادهایی شبیه اینها.» (همان، ص ۲۳۴، باب ۱، ح ۱۵).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از جمله حکمت‌هایی که در این روایات ذکر شده است، فساد موارىث و ذهاب انساب است که در فرض مورد بحث امری کاملاً مشهود است؛ زیرا، در وضعیت فعلی که قانون، اهدای جنین را تجویز نموده است، صرف متولد شدن کودک از یک زن کفایت در الحاق نمی‌کند و باید مشخص شود که آیا بارداری او به شیوه‌ی اهدای جنین یا گامت بوده است یا آن که چنین امری رخ نداده است؟

به عبارت دیگر، در تمامی مواردی که یک زن به شیوه‌ی اهدای جنین یا گامت باردار شده است، صرف گواهی ولادت نمی‌تواند تعیین‌کننده‌ی هویت سجلی کودک باشد؛ مقررات ثبت احوال باید در این خصوص اصلاح و تکمیل شود تا هویت دقیق اهداکننده در اسناد سجلی به ثبت رسیده و از اختلاط انساب پیش‌گیری شود.

ممکن است گفته شود ثبت اطلاعات در مراکز درمان ناباروری برای تعیین نسب کودکان در موارد ضروری کفایت نموده و ثبت این اطلاعات در اسناد سجلی ضرورتی ندارد. این ایراد قابل پذیرش نیست؛ زیرا، در حال حاضر رویه‌ی جاری دادگاه‌ها و مراجع ذیربط در خصوص تعیین نسب و مترتب نمودن آثار نسب بر یک فرد، اطلاعات سجلی او می‌باشد. به عنوان مثال، دادگاه برای

صدور گواهی حصر وراثت، وضعیت را از سازمان ثبت احوال استعلام می‌نماید، همان‌گونه که دفاتر رسمی ازدواج برای احراز شرایط الزامی زوجین در امر ثبت ازدواج، به بانک اطلاعاتی ثبت احوال و اسناد سجلی تمسک می‌جویند؛ اصولاً استفاده از بانک اطلاعاتی مراکز درمانی در این قبیل موارد میسر نیست؛ ضمن آن که مطابق آیین‌نامه‌ی قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور، فقط دادگاه‌ها، در شرایط خاص می‌توانند به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند؛ طرح موضوع در دادگاه نیز مستلزم بروز اختلاف است و این در حالی است که با پذیرش اصل بی‌نام بودن، زمینه‌ی تحقق اختلاف از بین خواهد رفت.

اگر ایراد شود که این امر مغایر با مصالح اهداگیرنده و کودک می‌باشد، باید گفت: میان مصلحت و منفعت، تفاوتی ظریف است. آن‌گونه که اهل لغت نوشته‌اند: «خیر و صلاح، هر حرکتی است که مطابق حکمت باشد، از این رو می‌تواند در قالب ضرر زدن یا سود رساندن تحقق یابد؛ نظیر مرض که گاه، صلاح انسان است؛ زیرا، موجب تقویت ایمان وی می‌شود.» (الفروق اللغویه، ص ۱۷۲، به نقل از: علی‌دوست، ص ۹۷).

فقه‌ها نیز با پذیرش این تفاوت، در این خصوص آورده‌اند: «مصلحت از سنخ منفعت و مفسده از سنخ مضرّت نیست ... و احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است نه منافع و مضارّه، به همین دلیل در بسیاری از واجبات شرعی از قبیل زکات، خمس، حج و جهاد ضرر مالی یا جانی وجود دارد، چنان‌که در بخشی از محرّمات الهی منفعت مالی یا بدنی هست.» (محاضرات فی اصول الفقه ج ۴، صص ۴۰۹-۴۱۰، همان‌جا)

بنابراین باید گفت در موضوع حاضر، ممکن است منفعت اهداگیرنده در مخفی ماندن اطلاعات اهدای جنین باشد، اما این منفعت همواره به مصلحت نیست.

مصلحت، برخلاف منفعت، با رویکردی صرفاً دنیوی تعریف نمی‌شود؛ حکمت‌های اشاره شده در روایات که در موضوع مورد بحث نیز جاری است، با نگاهی به زندگی اخروی انسان‌ها موجبات تشریح را فراهم آورده‌اند.

۵. برآمد

تأکید فقها بر ضرورت حفظ نسب و دغدغه‌های شورای نگهبان در تصویب قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور نسبت به استفاده از هر واژه‌ای که توهم الحاق کودک به اهداگیرنده را القا نماید و این واقعیت که بی‌نام بودن اهدای جنین موجب اختلاط انساب می‌شود، و این که مطابق ماده‌ی ۷ کنوانسیون حقوق کودک، اطلاع از هویت پدر و مادر حق کودک به شمار می‌آید و در نظام حقوقی ایران پدر و مادر قانونی و بیولوژیکی قابل تفکیک نمی‌باشد، همگی ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که نمی‌توان در حقوق ایران ویژگی محرمانگی را برای نهاد حقوقی اهدای جنین پذیرفت.

برای پرهیز از هرگونه اختلاط انساب، فساد مواریث و نیز پیشگیری از نکاح با محارم و قطع ارحام و قرابت‌ها، که حکمت بسیاری از احکام شرعی می‌باشند، لازم است تا اطلاعات مربوط به هویت ژنتیکی فرزندان حاصل از اهدای گامت و جنین، همانند دیگر فرزندان یک فرد، در دفاتر اسناد سجلی و البته نه لزوماً اسناد علنی، ثبت شده و دسترسی به آن‌ها تابع اطلاعات سجلی باشد.

مقررات مرتبط با اهدای جنین از جامعیت لازم برخوردار نبوده و ضروری است قانون‌گذار وضعیت ثبت ولادت کودکان حاصل از اهدای جنین را به گونه‌ای صریح پیش‌بینی نماید و تردیدها در خصوص پنهان یا آشکار بودن اهدا را از میان بردارد.

فهرست منابع

- ۱- انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقهيہ الميسره، جلد دوم، مجمع فکر اسلامي، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- ۲- الهام، غلامحسين، «مقررات و آثار حقوقی اهدای جنین»، مجله‌ی دادگستر، شماره‌ی ۱۵، تابستان ۱۳۸۳.
- ۳- توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، تقریرات سید ابوالقاسم موسوی خویی، جلد اول، چاپ اول، دارالهادی، بیروت، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۴- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق شیخ محمد رازی، جلد چهاردهم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۵- سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول، تقریرات درس امام خمینی، جلد سوم، دارالفکر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۶- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد‌های دوم و چهارم و پانزدهم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، بی تا.
- ۷- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه مکاسب، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۸ ق.
- ۸- علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- ۹- غزالی، محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، جلد اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ هـ. ق.
- ۱۰- محمدی باردئی، احمد، اهدای گامت و جنین در فقه امامیه، حقوق ایران، فرانسه و مصر، رساله‌ی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
- ۱۱- مکی عاملی، ابوعبدالله محمد، شهید اول، القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیه، جلد اول، تحقیق سبید عبدالهادی حکیم، مکتبه المفید، قم، بی تا.
- ۱۲- معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضاییه، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، جلد اول، چاپ دوم، روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.

۱۳- معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضاییه، **مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری**، جلد اول، چاپ اول، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۶.

۱۴- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، **اجود التقریرات**، تقریرات میرزا محمدحسین غروی اصفهانی، جلد اول، چاپ دوم، مؤسسه‌ی مطبوعاتی دینی، قم، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۵- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، **کتاب الخمس**، به کوشش مرتضی بروجردی، قم، مطبعه العلمیه، ۱۳۶۴.

۱۶- نجفی خوانساری، موسی، **منیه الطالب فی حاشیه المکاسب**، تقریرات محمدحسین نائینی، جلد دوم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ. ق.

۱۷- یاوری، ندا؛ متوسلی، الهه، «رازداری در اهدای گامت»، **مجموعه‌ی مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری**، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده‌ی ابن‌سینا و سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴.

18- [http://www-Sante. Ujf-grenoble.fr/Sante/medicale a La Procreation](http://www-Sante.Ujf-grenoble.fr/Sante/medicale a La Procreation)

19- <http://www.legifrance.fr>